

بررسی تصویرسازی در کتابهای کودکان

پایان نامه انتخابی این بخش یکی از جدیدترین پژوهش‌ها در زمینه تصویرگری کتاب کودک است. این تحقیق از نوع پژوهش کتابخانه‌ای بوده و محقق سعی کرده است با بهره‌گیری از مباحث پذیرفته شده حوزه هنر و تصویرگری کتاب و ارائه نمونه تصاویری از کتابهای ایرانی و غیرایرانی، جایگاه تصویرسازی در کتابهای کودکان را بررسی کند. در فصل اول این پایان نامه، هنر، نقاشی و گرافیک بررسی شده است. در

فصل دوم، کتاب و فصل سوم، تاریخچه تصویرگری مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل‌های چهارم و پنجم این پایان نامه، مباحث فنی تصویرگری و جنبه‌های اجرایی آن بررسی شده است. سرانجام در فصل‌های ششم و هفتم، ارزیابی و نتیجه‌گیری و فهرست منابع و مآخذ ارائه شده است. به دلیل موضوع خاص این شماره از پژوهشنامه، تمام فصل‌های این کتاب به انتخاب شده است.

● پایان نامه کارشناسی ارشد،

● دانشگاه تربیت مدرس -

دانشکده هنر -

● نگارش: علی کوثر احمدی

● استاد راهنما: مرتضی ممیز

● ۱۳۷۳

ارزیابی و نتیجه‌گیری

طرح موضوع پیوند و ارتباط کلیه رشته‌های مختلف هنرهای بصری اعم از معماری، نقاشی، پیکرتراشی، صنایع دستی و غیره و ارتباط این رشته‌ها در طول قرنهای مختلف با هم، ما را بر آن داشت تا ابتدا اشاره مختصری بکنیم به هنر و آنگاه به نقاشی و سرانجام گرافیک به عنوان فرزند نقاشی؛ فرزندی که به سرعت رشد کرده و خود نیز به چندین شاخه از جمله تصویرگری تقسیم شده است.

در واقع اگر بخواهیم جایگاه تصویرگری را به شکل نموداری رسم کنیم و یا این رشته را به ترتیب میزان

گرایش به سوی هنرهای کاربردی و هنرهای زیبا نشان دهیم.

از آنجا که سخن از کتاب آن هم اختصاصاً کتاب کودکان است و چون کتاب، ترکیبی از دو عامل مهم یعنی تصویر و متن است، پس آنچه در کنار این دو اهمیت پیدا می‌کند، پرورش موضوع است. تربیدی نیست که تجربه کودک، اندک است و تجارب ما بی‌نهایت بیشتر از اندوخته‌های اوست، پس وظیفه ماست تا این تجارب را به کودک انتقال دهیم، لذا نزدیکترین ابزاری که می‌توان از آن برای انتقال این تجارب به کودک استفاده کرد، قصه و نقاشی است، زیرا این دو قالب هنری به ضمیر کودک نزدیک‌اند.

به هر حال، رشد و سرعت پدید آمدن کتابهای کودکان را باید در اندیشه‌های نوین تعلیم و تربیت دانست که کودکان را صاحب بسیاری پدیده‌های اختصاصی، از جمله ادبیات کودک، کتاب کودک و تصویرگری برای کتاب کودک کرده است.

بخش عمده‌ای از ادبیات کودکان در کتابهایی تجلی یافته است که میزان دقت، زیبایی، آرایش و پیرایش و به قولی ویراستاری، نقش عمده‌ای در آن دارد که چگونگی انجام آنها در بروز و ارائه ادبیات کودکان قابل توجه و تعیین کننده می‌باشد. غلط املائی، نامفهوم بودن داستان و تسلسل نداشتن قصه، آنچنان زیست است که گاهی ممکن است تأثیر بهترین نوشته را از میان ببرد.

جدای از بعضی موانع که ماهیت موضوعی کتابهای کودکان برای خلق تصاویر هنری در کتابهای کودکان به وجود می‌آورد، عوامل دیگری چون شتابزدگی در خلق اثر، سفارشی بودن، در چارچوب قرار دادن و معین کردن چیزی، ارزان تمام کردن و عدم آشنایی تصویرگر با فضای ذهنی کودکان، در افت تصویرگری کتابهای کودکان بسیار مؤثر بوده‌اند.

در ادامه بررسی در بخش تاریخ مختصر تصویرگری، چنین نتیجه گرفته شد که لزوم وجود تصویر در کتابهای داستانی، مطلبی نیست که

متخصصان امروزی به ضرورت آن پی برده باشند، بلکه این مسئله از روزگاران قدیم مورد توجه بوده است. سپس صحبت از تصویرگر و تصویرگری شد که اولی را «شخص» و دومی را «شغل» نامیدیم. اشاره‌ای نیز کردیم به اینکه تصویرگر برای حفظ زیبایی متن چه باید بکند و چه تلاشی و همتی نیاز است تا او به تصاویر زندگی ببخشد. این زندگی در تصاویر را می‌توان نیرو و قدرتی توصیف کرد که بیننده را متوقف می‌کند. زیبایی‌های یک تصویر و نوع نگرش تصویرگر عوامل مهمی در این ویژگی هستند.

در واقع می‌توان نتیجه گرفت که ابزارهای خاص هنری، رنگ، بی‌رنگی و نشانه‌های مکتبی خاص، هیچ کدام نمی‌توانند عامل حیات بخش تصویر باشند، چرا که یک تصویر انتزاعی، یک تصویر شلوغ، یک تصویر سیاه یا یک تصویر رنگی، هر یک به شرط آنکه تصویرگر توانسته باشد نم خود را در آن بدمد، می‌تواند سرشار از حیات، زندگی و زیبایی باشد.

با بررسی و کنکاشی که درباره تصویرگری صورت گرفت، متوجه شدیم که تصویرگر با تلاشی که در ارائه وزن درونی و حرکات ظاهری عناصر (چه کلی و چه جزئی) دارد تلاشی برای جان‌پذیری به تصاویر انجام داده است، به نحوی که بیننده را متأثر و مجذوب کند، چون می‌داند هر چه قدرت جذب تصویر بیشتر باشد، بیننده را بیشتر در برابر خود نگاه می‌دارد، تا به آن حد که به اصطلاح محو آن می‌شود. بیننده محو شده در تصویر، حالات و نیروهای عاطفی خود را نیز وارد تصویر می‌کند و به بیانی دیگر، حال و هوای روحی و عاطفی خود را به حال و هوای تصویرگری می‌افزاید.

نتیجه این چنین شد که در کتاب کودکان موضوع مهم نیست؛ مهم چگونگی ارائه داستانهای مختلف، قصه‌های گوناگون، شعر، آموزش و غیره است و چگونگی ارائه آنها در قالب تصاویری است که در کتاب متجلی می‌شود، یعنی چه بسا ممکن است موضوعی خوب را با حالت تصاویر و نحوه ارائه آن به

مشکلات ترکیب‌بندی را از پیش پا برداشت.

- هنرمند نباید برای رسیدن به اهداف و گاه منافع خود از عناصر تصویری فقط به عنوان وسیله استفاده کند.

- عناصر اگر در یک وحدت کلی قرار بگیرند در ایجاد پستی و بلندی‌ها نیز شریک و هم حرکت هستند.

- هماهنگی صوری و معنوی تصویر بسیار مهم بوده و نقش زیادی در انسجام تصویر دارد.

- سبک مناسب برای هر گروه سنی می‌تواند در ارتباط با آنها مؤثر واقع شود.

- در به کارگیری تکنیک‌ها، حد سنی و توانایی‌های بینندگان مورد نظر قرار گیرد.

- تصاویر با شخصیت سالم انسانی و با احترام به انسان پرداخته شود.

- تصاویر از حالات و تناسبات درستی برخوردار باشند.

- تصویرگر، رنگ را (یک یا چند رنگ را) وسیله‌ای برای تأثیرگذاری بیشتر و بهتر بداند.

- ضمن اینکه تزئینات را عاملی برای زیبایی تصاویر دانستیم، تصویرگر نباید صرف تزئینات را پایه و اساس کار خود قرار دهد.

- پرسپکتیو برای گروه سنی پایین لزومی ندارد، ولی در گروه‌های بالاتر سنی مورد توجه کودکان قرار گرفته و می‌توان در حدی معقول از آن استفاده کرد.

ابتدال کشاندن و یا برعکس، موضوع بسیار بدی را با قالبی درست و منسجم (در قالب تصاویر) به عالی‌ترین شکل معرفی کرد.

سپس اشاره‌ای کردیم به جزئیات و عوامل مهمی که در ایفای یک تصویر خوب، نقش بسزایی دارند. طراحی، تکنیک، رنگ، پرسپکتیو و... را در مقوله‌های جداگانه بررسی کردیم و کاربرد آنها را به شکلی گویا و نور از ابهام، لازمه یک کتاب مصور کودک دانستیم.

در واقع انواع تکنیک، ابزار، رنگ و... در ارائه تصویر، تنها می‌توانند مرزظرفی با هم داشته باشند و گرنه نهایت کار همان تصویر مشتمل بر فرم و رنگی است که بر روی صفحه خواهیم دید. فرم، برخاسته از ذهن و قدرت دست تصویرگر است و رنگ، عاملی در جهت بیان بیشتر احساسات و زیبایی‌های بصری، روان‌شناسی و مکمل فرم.

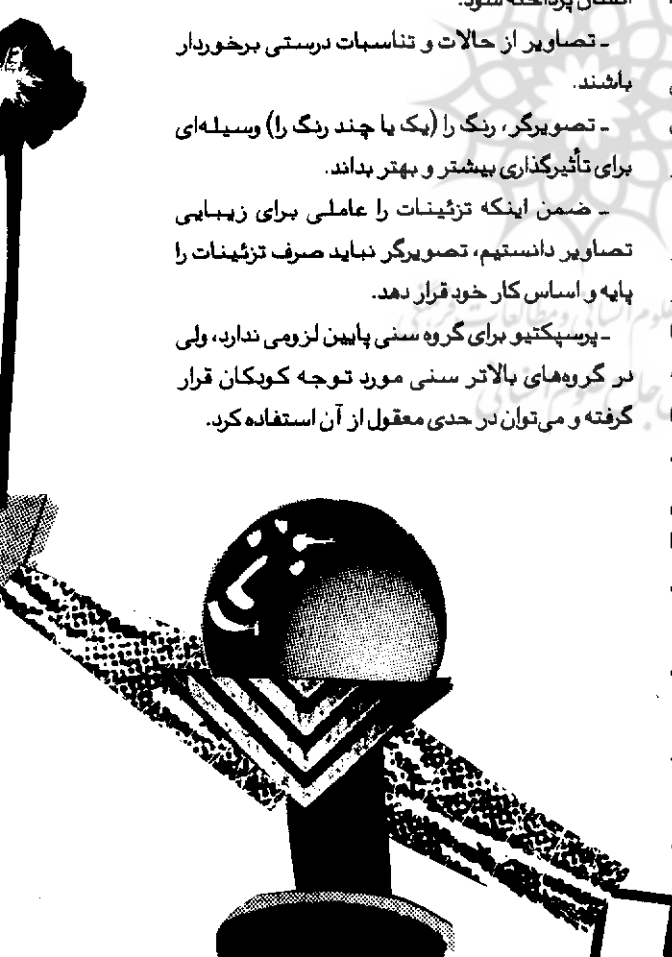
انتخاب رنگ را از نظر روان‌شناسی و زیبایی مفهومی بی‌چون چرا و دانستیم و در تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری از آن، عامل سن کودک را در نظر گرفتیم.

بین نقش رنگ و زندگی عاطفی کودک با در نظر گرفتن دوران تکامل او حالتی موازی وجود دارد. در دوران کودکی (فاصله سنی سه تا شش سالگی) کودک بیشتر تحت فشارهای درونی است، علاقه بسیاری به رنگ دارد و آن را مقدم به شکل ظاهری (فرم) می‌داند، ولی به تدریج هر قدر که از وابستگی او به رنگ کم می‌شود، علاقه او به تقدم شکل بر رنگ فزونی می‌یابد. در مجموع، این بخش با تنوع مطالب خود ما را راهنمایی کرد که برای هماهنگی و ارائه تصویر خوب باید تمام نکات لازم را مد نظر قرار داد، از جمله:

- تهیه وسایل و ابزارهای کاری باید متناسب با هدف داستان باشد.

- در ترسیم فرم و ایجاد وحدت بین عناصر باید کوشا بود.

- با فرض و به کار گرفتن فرمهای غیرمترقبه می‌توان



- بایستی به رابطه موضوع و ابزار توجه شود.
- هر بافتی احساس خاصی را برمی‌گزیند. در جهت تقویت احساسات مختلف می‌توان به بافت مناسب آن فکر کرد.
- ترکیب بندی، نقشی بسیار حیاتی و کلیدی در بیان موضوع دارد.
- انواع ترکیب بندی، به فراخور موضوع، می‌تواند به رساتر شدن پیام کمک کند.

- بعضی از موضوعات به دلیل هماهنگی با خصوصیات روحی و فکری کودکان بیشتر مورد پسند آنان واقع می‌شود.

- موضوعات باید متناسب با سن و سال کودک امکان ضد آب باشد.

- جلد به علت تکرار در استفاده از کتاب باید از جنس مرغوب و مناسب انتخاب شود.

- طرح روی جلد باید دارای شرایطی خاص باشد و بتواند موضوع کتاب را معرفی کند.

- طرح روی جلد باید از رنگهای شاد و تأثیرپذیر برخوردار باشد تا از فاصله دور جلب نظر کند.

- نوشته‌های روی جلد (نام کتاب و غیره) باید هماهنگ با تصویر در نظر گرفته شود.

- گردگیر (جلد دوم) چیز خوبی است به شرط آنکه دست و پاگیر نباشد و حتماً طرح روی جلد، روی آن تکرار نشده باشد.

- شخصیت و محتوای کتاب با جلد معرفی می‌شود، پس باید تمام شرایط مناسب برای تهیه آن در نظر گرفته شود.

- قطع و صحافی کتابهای کودکان نیز از مواردی است که در جریان تهیه کتاب باید به آن توجه کرد.

چگونگی صحافی و شیوه صحافی را باید متناسب با تعداد صفحات و خصوصیات کاربردی آن در نظر گرفت. همچنین بدنیست که قطع کتاب کودک، متناسب با ابزارهای زندگی کودک، مثل کیف، کمد، خط‌کش و قند و قوازه کودک در نظر گرفته شود.

همچنین، عامل دیگر در تعیین قطع، محتوای کتاب است. بهتر است برای هر موضوعی قطع

داشتن بستر و زمینه خوب در تصویرگری کتابهای کودکان نقش مهمی در اجرای کار دارد. انتخاب کاغذ مناسب برای تصویرسازی از مسائلی است که تصویرگر باید به آن توجه کند. وی باید رابطه کاغذ و تکنیک را همواره مد نظر قرار دهد. در بخشی از رساله، به هماهنگی و ارتباط تکنیک و کاغذ و همچنین به نقش و اهمیت کاغذ و ابزار در چگونگی ارائه تصاویر اشاراتی شده است. حروف، تعداد صفحات و نوع صفحه‌آرایی برای یک کتاب تصویری کودکان از طرفی باید متناسب با سن و سال مخاطبان انتخاب و اجرا شود و از طرفی دیگر باید دید چه نوع کتابی در دست داریم، مثلاً آیا کتاب، داستانی است یا اطلاعاتی یا معرفی اشیا؟ به هر صورت، نوع حروف، تعداد صفحات و شیوه صفحه‌آرایی در هر یک متفاوت بوده و هر کدام بنا بر ضروریات شکل و شمایل متفاوتی را

باید متناسب با سن و سال کودک انتخاب شود.

تکنیک چگونگی استفاده از ابزار، نقش بسزایی در کیفیت کار دارد.
- تکنیک باید در جهت و به موازات متن انتخاب شود.

- تکنیک‌های ساده باید برای گروه‌های سنی کم و تکنیک‌های پیچیده‌تر برای گروه‌های سنی بالاتر انتخاب شود.

مخاطبان باشد و در معرفی شیء همانند کتابهای الفبا و یا مفهومی چون گردی یا قرمزی، از عهده بیان مطالب برآید و نیاز کودک را برآورده کند و با بهره‌گیری درست از تکنیک‌ها و سبکها به جنبه‌های مهم داستان و گسترش متن کمک کند.

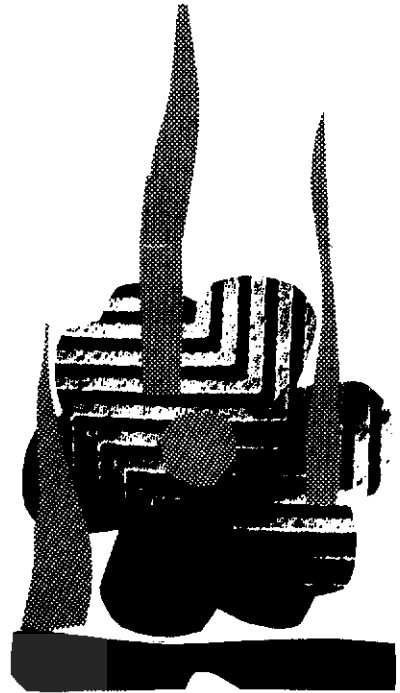
۲. غنای تصویری در شکل و رنگ

تصویر باید رابطه رنگی، خطی، شکلی و فضایی با موضوع داشته باشد. در تصویر به عناصر خوب پرداخته شود و هر عنصری در جایگاه خاص خود و با دلیل و منطق به کار گرفته شود. حالات، چهره‌ها، انسان، حیوان، درخت، درست طراحی شده و خوب به نمایش درآیند.

کودک احساس فقر در تصویر نکند، تصویرگر تزئینات را خوب به خدمت بگیرد و تصاویر در ارتباط با هم، حامل تناقضات و تضادهای عاطفی نباشد. به همین ترتیب، باید از تضادهای شدید رنگی پرهیز شود. تصویر باید تازگی، جلا و عنصر نور را همیشه در خود داشته باشد.

۳. هماهنگی با موضوع و وضعیت کتاب از نظر ظاهری

تصویر باید در جهت و به موازات قصه حرکت کند و در پیچ و تابهای قصه به کمک متن نباید و فهم آن را آسان کند و از نظر تکنیک، رنگ و سبک نیز با موضوع هماهنگ و بکنواخت باشد. مثلاً در قصه‌ای که موضوع آن در فضایی خیال انگیز و رویایی می‌گذرد، تصاویر باید از تداخل رنگها و برداشتن مرز میان آنها با استفاده از آبرنگ یا اکریلیک بهره بگیرد. تصویرگری که در تصاویر خود خبر از جنگ و خشونت می‌دهد، باید عناصر و عوامل این حس را در تصویر مهیا کند. وی همچنین باید عوامل و عناصر لازمه یک داستان لطیف و شاد را بشناسد و به هماهنگی ظاهری و برونوی تصویر توجه داشته باشد.



خاصی در نظر گرفته شود.

سپس، ضمن اشاره به اهمیت چاپ در ارائه نهایی تصویر، در مجموع می‌توان گفت در چاپ باید:

- از امکانات نهایت استفاده را کرد.

- رنگ مصرفی، ناخالصی نداشته باشد.

- رنگ و طرحها روی هم نخورده باشند.

- هر رنگی سر جای خود نشسته باشد (پیکازی نشود).

- به تغییر رنگها و افت آن در چاپ توجه کافی شود.

- به رابطه چاپ و نوع کاغذ مصرفی توجه شود.

- هزینه نباید عامل تعیین کننده در چگونگی چاپ باشد.

در مجموع می‌توان سه دسته معیار برای ارزیابی تصاویر کتابهای کودکان در نظر گرفت:

۱. عمق، شخصیت و اصالت هنری

یعنی تصویر به خلق حالت اساسی داستان بپردازد و کاری را ارائه دهد که در خور و قدرت تخیل